

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

■ نرجس نیر*
■ رضا افهمی**

چکیده:

خلاقیت ضرورتی انکارناپذیر برای جوامع امروزی محسوب می‌شود، و پرورش آن از اساسی‌ترین اهداف هر نظام آموزشی است. هدف از مقاله حاضر بررسی نقش کیفیت‌های عناصر محیطی همچون رنگ، فرم و بافت در محیط‌های آموزشی کودکان ۳ تا ۶ ساله، نسبت به خلاقیت است. روش مقاله حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، کلیه مربیان مهدکودک‌های شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بوده است. نمونه آماری شامل ۵۰ مربی است، که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش مورد استفاده، پرسش‌نامه محقق ساخته است که روایی آن به دو طریق روایی محتوایی و روایی سازه بررسی گردید. پایایی پرسش‌نامه نیز به دو طریق تنصیفی و تعیین همبستگی درونی انجام شد، به طوری که از هر دو طریق ضریب (۰/۸۵) به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش آمار توصیفی شامل جداول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل روش آماری اندازه‌گیری‌های مکرر، آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دیدگاه مربیان نسبت به دو متغیر رنگ و فرم تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که رنگ از دیدگاه مربیان نقش مهم‌تری در خلاقیت کودکان دارد. در این میان، مربیانی که دارای رشته تحصیلی مرتبط بودند اهمیت بیشتری برای نقش متغیرهای کیفیات محیطی بر خلاقیت کودکان قائل بودند. بین دیدگاه‌های مربیان با توجه به سابقه خدمت و میزان تحصیلات آن‌ها، نسبت به نقش متغیرهای کیفیات محیطی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود ندارد. نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد از دیدگاه مربیان مهدکودک‌ها نقش جنبه‌های کیفی محیط همچون رنگ، فرم و بافت به‌ویژه رنگ بر ارتقاء خلاقیت کودکان در محیط‌های آموزشی مؤثر است.

کلید واژه‌ها: تفکر خلاق، محیط آموزشی، رنگ، فرم، بافت

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۲/۳ تاریخ شروع بررسی: ۹۲/۳/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۱۹
* کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری nedanayer@yahoo.com
** استادیار تئوری هنر معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه پژوهش هنر. Reza.Afhami@gmail.com

مقدمه

تأثیر خلاقیت، به‌عنوان پرقدرت‌ترین توانایی بشری، بر زندگی و ابعاد مختلف آن کاملاً مشهود است. به قول راجرز آدمی ذاتاً خلاق متولد می‌شود؛ یعنی این استعداد با شدت و ضعف در همه افراد موجود است و راه‌های بی‌شماری نیز برای پرورش آن وجود دارد. پروفیسور ریچارد فلوریدا^۱، تئورسین مسائل شهری، بر آن است که برنامه‌ریزی برای دستیابی به فرهنگ‌سازی و آموزش جامعه در جهت ایجاد نسل خلاق، بدون توجه و تمرکز بر کودکان و پرورش خلاقیت آن‌ها، به‌عنوان سرمایه‌های بالقوه امروز و کارآفرینان فردای کشور، امکان‌پذیر نیست (البرزی، ۱۳۸۶).

از طرف دیگر، عقیده بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت کودک بر این است که منشاء بسیاری از توانایی‌های انسان در دوران کودکی است. طبق تحقیقات به‌دست آمده، آغاز پرورش قدرت تخیل و خلاقیت نیز در دوره کودکی شکل می‌گیرد (امیری و اسعدی، ۱۳۸۶). از نظر فروید^۲، نیز منبع خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی فرد یافت. از این‌رو لازم است در مراحل آغازین رشد کودک، پرورش خلاقیت او مورد توجه قرار گیرد. رشد دادن تفکر خلاق در کودکان به‌صورت همه‌جانبه در این سنین نیازمند آموزش از طریق تمرین‌های خلاقه و قرار دادن کودک در محیطی است که به باروری این ذهنیت در وی کمک نماید.

هداستارت^۳ و فالو ترو^۴ (۱۳۸۹) در پژوهش‌های علمی خود اهمیت آموزش در دوران کودکی را از دو جنبه مورد نظر قرار داده، که یکی حساسیت و سهولت اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی و دیگری دوام تأثیرات و عمق یادگیری‌های آن‌هاست. یعنی یادگیری‌های اولیه زمینه‌های مناسبی برای کسب تجارب بعدی کودکان فراهم می‌آورند و آنچه در سنین اولیه و پیش‌دبستانی آموخته می‌شود پایداری و دوام بیشتری دارد (به نقل از مفیدی، ۱۳۸۱).

آماییل^۵ بر این باور است که انگیزش تکلیف، به سبب تأثیرپذیری از عوامل فردی و محیطی پیرامون، تأثیر به‌سزایی در خلاقیت افراد دارد (البرزی، ۱۳۸۶). اما با توجه به ضعف در محیط و تکنولوژی آموزشی و همین‌طور کمبود وقت والدین در روند تحولی تفکر خلاق کودکان این امر در حد کامل و به‌طور بهینه انجام نمی‌پذیرد.

امروزه کارشناسان با درک اهمیت و ضرورت پرورش انسان در دوران کودکی، به دسته‌بندی و طراحی فضاهایی پرداخته‌اند که هوش، خلاقیت و مباحث اخلاقی مرتبط را از دوران کودکی رشد می‌دهند. بنابراین آموزش صحیح، برنامه‌های فعال‌سازی فکر و اندیشه خلاق، تدارک موقعیت‌ها و نیز شرایط و امکانات خلاقه در یک محیط آموزشی مناسب می‌تواند باعث افزایش روند تحولی خلاقیت کودک گردد.

بعضی تعریف‌های خلاقیت، این اشتراک‌ها را دارند: جدید بودن، حقیقی، تعمیم‌پذیری، جالب بودن و توانایی‌های ذهنی (اسودی، ۱۳۸۹).

گیلفورد^۷ حداقل هشت توانایی اولیه را برای تشکیل ساختار خلاقیت فرض کرد. برخی خصیصه‌هایی که مستقیماً در ظهور خلاقیت مؤثرند، عبارتند از:

۱. **بدیع بودن:** توانایی تفکر به شیوه غیرمتداول و خلاف عادت رایج است.
۲. **انعطاف‌پذیری:** توانایی تفکر به راه‌های مختلف برای حل مسئله.
۳. **بسط:** توانایی توجه به جزئیات در حین انجام یک فعالیت.
۴. **سیالی:** توانایی فرد در ارائه تعداد راه‌حل‌های متعدد. این عقیده بر این است که کمیت باعث کیفیت می‌شود (علوی، ۱۳۸۴).

شل کراس^۸ (۱۳۷۰) در کتاب خود موانع موجود در برابر تفکر خلاق را به دو دسته تقسیم کرده است: الف. موانع بیرونی، که خود به موانع تاریخی، زیستی، اجتماعی و محیط پیرامون تقسیم می‌شود. ب. موانع درونی - روانی مانند: عادات، ترس از تحقیر و ... (به نقل از کاظمی و جعفری، ۱۳۸۷). رویکردهای اساسی در زمینه خلاقیت وجود دارد اما رویکرد محیط خلاق، که رویکرد مورد نظر پژوهش حاضر است، با جمع‌آوری عقیده‌های صاحب‌نظرانی چون سیکزنتمی هالی، آمابیل و اکوال در راستای تحقیق بسط داده می‌شود.

روان‌شناسان اجتماعی با تأکید بر «موقعیت‌های خلاق» محیط و شرایط اجتماعی را که بر خلاقیت افراد تأثیرات متفاوتی دارند تبیین می‌کنند. هنسی^۹ (۲۰۰۳)؛ کرفت^{۱۰} (۲۰۰۲) و آمابیل (۲۰۰۱) معتقدند که خلاقیت همیشه در یک بستر مناسب پدید می‌آید (به نقل از البرزی، ۱۳۸۶). به عقیده آن‌ها درک اهمیت محیط مناسب موجب بروز خلاقیت می‌شود (دمیرچی، ۱۳۸۰). مهم‌ترین دلیلی که برخی رویکرد زیست‌محیطی را بر رویکرد خلاقیت فردی ترجیح می‌دهند این است که تغییر محیط بسیار راحت‌تر از تغییر شخصیت فردی است (گلیسر^{۱۱}، ۲۰۰۵).

اکوال^{۱۲} (۱۹۹۳)، طی پژوهش‌های گسترده خود دریافت که آشنا نمودن کودکان با تجربه‌های گوناگون، محیط‌های مختلف، آموزش استفاده از موقعیت‌ها، مشاغل و محیط طبیعی می‌تواند در قدرت نگرش، تجسم فضایی و جزئیات منعکس گردد، به طوری که کودکان از هر موقعیتی یک نماد کلی در ذهن خود می‌پروراند و با نگرستن دقیق به تجربه و موقعیت بهتر آن را در خلاقیت‌های ترسیمی خود نشان می‌دهند، بنابراین برای بهبود بازده خلاقیت آنان می‌توانند مؤثر باشند (به نقل از البرزی، ۱۳۸۶).

سیکزنتمی هالی^{۱۳} (۱۹۸۹) بیان می‌دارد که ما نمی‌توانیم به افراد و کارهای خلاقشان جدا از اجتماعی که در آن عمل می‌کنند پردازیم، زیرا خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست (حسینی، ۱۳۸۶). با توجه به هدف پژوهش، در ادامه مطالب به ذکر تحقیقات پیشین در دو بخش پرداخته می‌شود. بخشی که به اهمیت کیفیت فضاهای مناسب بر خلاقیت کودکان انجام شده و بخش دیگر تحقیقاتی که بر نقش مریبان و دیدگاه‌های آنان نسبت به پرورش خلاقیت کودک و فضا تأکید کرده‌اند.

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

پیرامون تحقیقاتی که بر نقش فضا بر خلاقیت کودکان تأکید دارند، جباری و میرزایی (۱۳۸۹) در پژوهش خود، اصول طراحی فضاهای مناسب کودکان در جهت پرورش خلاقیت را مورد بررسی قرار داده و برآنند که ضرورت به‌کارگیری رنگ، فرم و فضا و بهره‌گیری از گرافیک محیطی و دیگر عوامل زیباشناسانه به‌عنوان عوامل مؤثر می‌تواند باعث رشد خلاقیت آن‌ها گردد. همچنین آقاپلیفی (۱۳۸۷) در بررسی و تبیین نقش محیط در پرورش خلاقیت کودکان، عوامل محیطی مؤثر بر آن را بازنمایی می‌کند. در این راستا با دقت در زندگی روزانه کودک، درک او از محیط را بازنمایی کرده و در نهایت ایده‌های فضایی و کالبدی برای مناسب بودن محیط کودک در جهت خلاقیت، ارائه داده است.

از طرفی شفایی و مدنی (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود به بررسی بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی مؤثر بر ذهن، رفتار کودکان و رویکرد ارتقاء خلاقیت آنان پرداخته‌اند. در این تحقیق آن‌ها نشان می‌دهند که رابطه مستقیم و معناداری بین برخی متغیرهای محیطی همچون تحریک‌کنندگی محیط طبیعی و انعطاف‌پذیری عملکردها با برخی صفات خلاقیت همانند کنجکاوی، بازی و مشارکت و خیال‌پردازی وجود دارد. همین‌طور آلتمن و مور محیط را بر پرورش خلاقیت مؤثر دانسته و اظهار می‌دارند که تحریک احساسات و لذت تجربه فضاهای جدید و متنوع مربوط به کیفیت کشف فضاست. در دوران کودکی، کشف فعالیت مهمی است که سبب رشد فکری و رشد اجتماعی کودک می‌شود. قدرت تخیل کودک در محیط‌هایی که بتواند آن را کشف نماید، نیز رشد بیشتری می‌کند (مظفر، حسینی و عظمتی، ۱۳۸۶).

شارپ^{۱۴} (۲۰۰۴) در پژوهشی محیط خلاقیت‌زا را باعث تحریک کنجکاوی کودکان می‌داند که در حین بازی‌ها و کارهای هنری بدون ساختار کسب می‌کنند. همچنین وی اظهار می‌دارد که خلاقیت یک استعداد ذاتی است و نقش مربیان و والدین در انگیزش کودکان جهت حل کردن مشکلات و توسعه مهارت‌های خلاقانه کودکان در حین بازی بسیار مؤثر است.

پس می‌توان گفت یکی از عوامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده خلاقیت کودکان، محیط است. بعد از محیط خانواده، محیط آموزشی از مهم‌ترین این عوامل است؛ محیطی آموزشی که اساس برنامه‌ریزی فضا و طراحی آن، با توجه به خصوصیات جسمی و روانی کودکان در مراحل مختلف رشد باشد.

در پژوهش‌هایی که به نگرش مربیان نسبت به فضا و خلاقیت کودک انجام شده، تأکید بر آن است که در محیط‌های آموزشی مربیان نقش بسیار مهمی دارند. در واقع مربیان با تجربه و اطلاعات خود، امکاناتی را فراهم کند تا به وسیله آن بتوان فضایی مناسب را جهت تحقق هدف‌های متفاوت ایجاد نمود (شل‌کراس، ۱۳۷۲). رنزولی^{۱۵} (۱۹۹۳) نیز بر نقش معلم، به‌عنوان مشاور و سرمشق در رشد خلاقیت تأکید می‌کند و می‌گوید معلم باید به محتوای رشته خود مسلط و از روش‌های گوناگون تدریس آگاه باشند. مدرک تحصیلی پایین معلم و تجربه کم او نیز با کاهش میزان خلاقیت دانش‌آموزان همبستگی دارد (نقل از کاظمی و جعفری، ۱۳۸۷).

معلمان و بزرگسالان می‌توانند با تأکید بر خلق اندیشه‌ها و بیان آن‌ها در محیطی آزاد و عاری از

نقش هنرهای کیفی عناصر محیطی پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

ارزشیابی، و با تمرکز بر تفکر واگرا و همگرا، خلاقیت کودکان را شکوفا کنند. آنان همچنین می‌توانند اطمینان یابند که کودکان از فرصت‌ها و اعتمادبه‌نفس لازم برای رویارویی با خطر (خطرپذیری) و به چالش گرفتن فرضیات و ارائه دیدگاه‌های جدید برخوردارند (محمدی، ۱۳۸۷).

بررسی متغیرهای محیطی در این پژوهش شامل رنگ، بافت و فرم در فضاها با و بسته آموزشی است.

روان‌شناسان کودک همواره به جزئی‌ترین مراحل رشد و حرکات کودک می‌پردازند، اما انگار تمام این اتفاقات در یک فضای خنثی با حد و مرز نامشخص روی می‌دهند، به طوری که به‌ندرت صحبت از رنگ و فرم دیوارها، درها و پنجره‌ها و سازه‌هایی شده است که او را دربرمی‌گیرند و محیط زندگی‌اش را می‌سازند. واضح است که کودک نسبت به فضای ساخته شده، حساس است (محمدی، ۱۳۸۷). منظور از فضا، یک محدوده سرد هندسی نیست بلکه هدف فضایی فعال و تأثیرگذار است که زمینه کنجکاوی، سؤال کردن (فعالیت ذهنی) و جنب‌وجوش (فعالیت جسمی) کودکان را فراهم نماید.

آماییل معتقد است «محیط فیزیکی می‌تواند تحریک بصری برای عملکرد خلاق فراهم کند، البته در صورتی که بچه‌ها از کاربرد این نشانه در محیط آگاه شوند» (به نقل از اسودی، ۱۳۸۹).

پژوهش دویل نیز به‌وضوح نشان داده است که انواع عامل‌های محیطی، فرهنگ خلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، اگر محیط‌زیست بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد، این سؤال پیش می‌آید که چه متغیرهایی بر روی رفتار خلاق تأثیر می‌گذارند؟

در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان ساعت‌ها جذب نشانه‌های بصری رنگ، بافت و تصاویر موجود بر دیوار، کف و سقف کلاس می‌شوند. رنگ‌ها در شخصیت افراد، به‌خصوص در کودکانی که خواهان تحریک‌های بصری‌اند، تأثیر بسزایی دارد، مخصوصاً تنوع رنگ‌ها و استفاده درست و مناسب از آن‌ها در طراحی و تزئین و رنگ‌آمیزی فضاها داخلی و ترکیبات مناسب رنگی فضاها آموزشی به‌دلیل شرایط جسمی و روحی کودکان از حساسیت بیشتری برخوردار است و می‌تواند قدرت یادگیری و خلاقیت کودکان را ارتقاء دهد (لطف‌عطا، ۱۳۸۷).

تناسب رنگ‌ها با دوره‌های مختلف آموزشی و انتخاب رنگ به سن و سال و جنس کودکان بستگی دارد (خسروجری، ۱۳۹۱). در مبحث هنر، منبع تحت عنوان «رنگ، نوآوری و بهره‌وری»، بیان نموده است که رنگ‌های سردتر برای فضاها آموزشی مناسب که سکوت و کارهای چشمی یا ذهنی مورد نظر است بهتر است از درخشندگی محیط (ضریب انعکاس نور که هر رنگ دارد) کاسته شود، زیرا درخشندگی محیط می‌تواند سبب حواس‌پرتی شود (محمدی، ۱۳۸۷).

با اینکه رنگ به‌خودی خود وسیله پر قدرتی برای نشان دادن حالت‌های عمیق درونی و در واقع حاوی پیام خاص به کودکان به‌خصوص در فضاها آموزشی است (خسروجری، ۱۳۹۱)، اما به موازات افزایش سن کودک، گرایش او به طبیعت و فرم بیشتر می‌شود (اکرمی، ۱۳۸۴). طبق تحقیقات به‌دست

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

آمده، کودکانی که در آن‌ها غلبه فرم بیشتر از رنگ است، خلاق‌ترند و از لحاظ ضریب هوشی بالاتر از گروه رنگ‌سالاران هستند (مرتضوی، ۱۳۸۰).

در پژوهش حاضر، منظور از فرم، ایجاد شکل‌ها و حجم‌های منحنی و یا زاویه‌دار (به صورت برجسته، تخت و فرورفته) به صورت مستقل و یا الحاقی بر عناصر محیطی آموزشی کودکان با کاربردهای مختلف است (این بعد کیفی فضا در نظرسنجی برای مربیان به طور واضح توضیح داده شده است).

طبق تحقیقات انجام شده، کودکان به طور طبیعی به فرم‌های گرد و مدور تمایل دارند و از شکل‌های گوشه‌دار دوری می‌کنند و در مقابل انتخاب اشیاء و اسباب بازی‌ها این گرایش طبیعی را نشان می‌دهند (تابنده، ۱۳۸۷). همین‌طور ادراک در کودکان کمتر از ۶ یا ۷ ساله به صورت کلی صورت می‌گیرد و ادراک اشیاء و فرم‌های پیچیده‌تر که دارای جزئیات هستند به کندی صورت می‌گیرد. بنابراین شکل‌های کشیده شده توسط کودکان منظم‌تر و ساده‌تر و متفاوت‌تر از شکل اصلی هستند (تابنده، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد نقش فرم‌های منحنی با جزئیات قابل تشخیص در تحریک بصری و گسترش ذهنی کودکان مؤثر باشد.

در فضای آموزشی، تحریک تمام حواس، باعث تحریک یادگیری و خلاقیت می‌شود. در نتیجه مربیان با توجه به شناخت خصوصیات رنگ و آگاهی از مضمون‌های شکل‌ها، با در اختیار گذاردن اجسام و شکل‌ها مناسب، می‌توانند به پویایی ذهن، خلاقیت کودک و بیان احساساتش به محیط کمک کنند.

علاوه بر محرک‌های بصری همچون رنگ و فرم که پیش‌تر درباره آن صحبت شد، تضاد در یک تصویر به وسیله بافت مواد و مصالح مختلف که معمولاً با حس لامسه و قوه بینایی که در اثر تجربه می‌شود، (پیکرینگ جان، ۱۳۸۹) می‌تواند باعث تحریک پرورش خلاقیت کودکان شود.

با اینکه پژوهش‌هایی در این مورد نشان می‌دهد که درک کودکان از بافت کمتر از درک آن‌ها از رنگ و اشکال است ولی معمولاً کودک پس از دیدن یک بافت، میل دارد با لمس کردن آن بر روی صورت خود و دست زدن به وجود آن اطمینان حاصل کند (وانر و مایرز^{۱۶}، ۲۰۰۹). این امر نشان می‌دهد که مربیان جهت آموزش ایجاد سطوح با بافت‌های مختلف به کودکان می‌توانند به طور مستقیم از سطوحی با جنس‌های متفاوت جهت تحریک کنجکاوی آنان استفاده کنند. این آموزش، بستگی به سن کودکان دارد. در این آموزش می‌توان از آن‌ها خواست احساس خود را با کشیدن نمادهای تصویری، شنیدن صداهای گوناگون و یا حس کردن بافت‌های مختلف نشان دهند (پیکرینگ جان، ۱۳۸۹).

محوطه بازی بخشی جدایی‌ناپذیر از هر محیطی است که برای کودکان طراحی می‌گردد. زمین بازی باید با انواع محوطه‌سازی‌ها، بافت، شکل متنوع و زمینه فعالیت جذابیت و کنجکاوی کودک را برانگیزد (هانتر^{۱۷}، ۲۰۰۵).

در مجموع با نگاهی بر تحقیقات پیشین در حوزه مربوط به فضا و نقش آن بر پرورش خلاقیت کودکان و همین‌طور تحقیقات مربوط به نقش مربی و دیدگاه وی پیرامون خلاقیت در کودکان می‌توان گفت نقش کیفی عناصر محیطی و طراحی آن در محیط‌های آموزشی اهمیت بسزایی در خلاقیت کودکان

نقش هنرهای کیفی عناصر محیطی پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مریبان مهد کودک

دارد. براین اساس با توجه به جست‌وجوهای به عمل آمده توسط محقق، پژوهشی که به‌طور هم‌زمان به نقش مربی و فضا در پرورش خلاقیت انجام شده باشد یافت نشد. بر این اساس پژوهش حاضر به بررسی نقش کیفی فضا و نگرش مریبان به آن در خلاقیت کودکان می‌پردازد. در این راستا این پژوهش درصدد پاسخ به سوالات زیر است:

۱. آیا بین دیدگاه‌های مریبان مهدکودک‌های شهر شیراز، نسبت به نقش کیفیت‌های عناصر محیطی فضاهای آموزشی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین دیدگاه‌های مریبان مهدکودک‌های شهر شیراز، نسبت به نقش کیفیت‌های عناصر محیطی بر پرورش خلاقیت کودکان، براساس سابقه کار، مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی مریبان تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به سوالات پژوهش از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه مریبان مهدکودک‌های شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ به تعداد ۸۱۴ نفر بودند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری «خوشه‌ای» استفاده شد و به لحاظ گستردگی و پراکندگی جامعه آماری از «نمونه‌گیری خوشه‌ای» استفاده گردید. به این ترتیب ابتدا از کلیه مهدکودک‌های شهرستان شیراز، ۶ مهدکودک به طور تصادفی انتخاب شد و از هر مهدکودک نیز ۷ مربی به طور تصادفی انتخاب شدند. از این تعداد ۶ پرسش‌نامه به دلیل همکاری نامناسب مریبان در تحویل آن‌ها حذف شد و ۴۴ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

این پرسش‌نامه به منظور اندازه‌گیری نقش کیفیات محیطی در پرورش خلاقیت کودکان در سه بعد رنگ، فرم و بافت تهیه شده است. پرسش‌نامه محقق‌ساخته و شامل ۲۵ گویه است. گویه‌ها به شیوه لیکرت تدوین شده‌اند و سه بعد رنگ (۹ گویه)، بعد فرم (۸ گویه) و بعد بافت (۸ گویه) را می‌سنجند. در مقابل هر گویه ۵ پاسخ شامل: خیلی زیاد، زیاد، نظری ندارم، کم و خیلی کم قرار داشت. کلیه عبارات پرسش‌نامه، خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، تا حدودی (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱)، امتیاز و ارزش‌گذاری گردید. حداقل و حداکثر نمره در این پرسش‌نامه به ترتیب ۲۵ و ۱۲۵ بوده است.

روایی پرسش‌نامه

الف. روایی محتوایی

گویه‌های پرسش‌نامه همراه با تعاریف مربوط به ابعاد متغیرها در اختیار استادان راهنما و مشاور و

نقشه ذهنی کیفیت عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

چند تن دیگر از افراد صاحب نظر در بخش هنر و معماری و نیز متخصصان روان‌شناسی قرار گرفت. متخصصان نظر خود را پیرامون اعتبار محتوایی گویه‌ها با جواب‌های موافق و مخالف مشخص کردند و سپس پرسش‌نامه نهایی تهیه گردید.

ب. روایی سازه

همچنین در روش دیگر بررسی روایی ابزار از محاسبه ضرایب همبستگی بین ابعاد پرسش‌نامه با یکدیگر و با نمره کل استفاده شد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های کیفیات عناصر محیطی در دامنه‌ای از ۰/۵۳۹ تا ۰/۶۷۲ است که پایین‌تر از ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌ها با نمره کل است که دامنه آن از ۰/۷۴۸ تا ۰/۸۵۵ است. این امر شواهدی بر روایی سازه است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های پرسش‌نامه با یکدیگر و با نمره کل (n=۴۴)

متغیرها	کیفیات عناصر محیطی	رنگ	بافت	فرم
کیفیات عناصر محیطی	۱			
رنگ	۰/۸۵۵**	۱		
بافت	۰/۷۴۸**	۰/۵۳۹**	۱	
فرم	۰/۸۱۵**	۰/۶۷۲	۰/۵۳۹**	۱

■ پایایی پرسش‌نامه

پایایی پرسش‌نامه به دو روش بررسی شد:

الف. به روش تعیین همبستگی درونی، که با اجرای آزمایشی پرسش‌نامه‌ها روی ۲۰ نفر از مربیان جامعه مورد نظر اقدام شد. سپس پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ^{۱۸} برابر ۰/۸۴ محاسبه گردید.

ب. به روش تنصیفی، ضریب تنصیفی برابر با ۰/۸۵ محاسبه گردید.

■ یافته‌ها

داده‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و در سطح استنباطی از آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر^{۱۹}، آزمون t و تحلیل واریانس یک‌طرفه به منظور

تجزیه و تحلیل داده‌ها و به دست آوردن نتایج پرداخته شد. آمار توصیفی پژوهش حاضر شامل توزیع آزمودنی‌ها بر حسب رشته تحصیلی، سابقه خدمت و میزان تحصیلات است.

■ آمار توصیفی

توزیع آزمودنی‌ها بر حسب رشته تحصیلی، سابقه خدمت و میزان تحصیلات

آزمودنی‌ها بر حسب رشته تحصیلی، شامل دو رشته مرتبط (روان‌شناسی کودک، علوم تربیتی) و غیرمرتبط (مدیریت، زبان و ...) بودند. تعداد آزمودنی‌های با رشته‌های مرتبط ۲۶ نفر و تعداد آزمودنی‌های با رشته‌های غیرمرتبط ۱۸ نفر بودند. آزمودنی‌ها از نظر سابقه خدمت به ۳ گروه کمتر از ۵ سال، بین ۵ تا ۱۰ سال و بیشتر از ۱۰ سال، و بر حسب میزان تحصیلات به چهارگروه دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس و فوق‌لیسانس تقسیم شدند. توزیع آزمودنی‌ها بر حسب رشته تحصیلی و سابقه خدمت و میزان تحصیلات در جدول شماره ۲، نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع آزمودنی‌ها بر حسب رشته تحصیلی و سابقه خدمت، میزان تحصیلات

رشته تحصیلی		سابقه خدمت					میزان تحصیلات			
مرتبط	غیرمرتبط	جمع	دیپلم	فوق‌دیپلم	لیسانس	فوق‌لیسانس	جمع	مرتبط	غیرمرتبط	جمع
۲۶	۱۸	۴۴	۳	۴	۳۴	۳	۴۴	۴	۱۰	۳۰
۵۹/۱	۴۰/۹	۱۰۰	۹/۱	۶/۸	۷۷/۳	۶/۸	۱۰۰	۲۲/۷	۶۸/۲	۹۰/۹

■ آمار استنباطی

آمار استنباطی مورد استفاده در این پژوهش شامل پاسخ‌گویی به سؤالات ۱ و ۲ پژوهش است. به منظور بررسی معناداری تفاوت بین دیدگاه مربیان نسبت به نقش کیفیات عناصر محیطی بر خلاقیت کودکان از آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شده است. در سؤال دوم و به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین دیدگاه مربیان، از نقش کیفیت‌های عناصر محیطی، بر اساس رشته تحصیلی از آزمون t و به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین دیدگاه مربیان، از نقش کیفیت‌های عناصر محیطی، بر اساس مدرک تحصیلی و سابقه خدمت از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بهره بردیم.

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

■ استفاده از آمار استنباطی برای پاسخ‌گویی به سؤالات یک و دو پژوهش

● پرسش ۱. آیا بین دیدگاه‌های مربیان مهدکودک‌های شهر شیراز نسبت به نقش کیفیت‌های هر کدام از عناصر محیطی فضاهای آموزشی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود دارد؟
برای پاسخ به این سؤال از آزمون اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده شد. جدول ۳، نتایج آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقایسه ابعاد کیفیت‌های محیطی

ابعاد	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی:								
رنگ	۴۴	۳۴/۵۵	۴/۱۶	۵۷/۵۳	۲	۲۸/۷۷	۵/۵۲	۰/۰۰۱
فرم		۳۲/۹۳	۲/۹۲					
بافت		۳۳/۶۰	۳/۳۵					
درون گروهی				۱۹۹/۰۲۳	۴۲	۴/۷۳		
کل				۲۵۶/۵۵۳	۴۴	۳۳/۵		

جدول ۴. مقایسه دو به دوی ابعاد کیفیت‌های محیطی

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری	رتبه میانگین
رنگ	۳۴/۵۵	۴/۱۵	۰/۰۰۱	اول
فرم	۳۲/۹۳	۲/۹۱		سوم
بافت	۳۳/۶۰	۳/۳۴		دوم

با توجه به جدول شماره ۳ بالاترین میانگین مربوط به بعد رنگ و کمترین میانگین مربوط به بعد فرم است. F به دست آمده از جدول شماره ۳ با درجه آزادی ۲ تفاوت معناداری بین سه بعد رنگ، فرم و بافت در سطح ۰/۰۰۱ را نشان می‌دهد. پس از احراز معناداری از طریق استفاده از اندازه‌گیری مکرر، جهت بررسی تفاوت معناداری بین میانگین‌های خرده‌مقیاس‌های کیفیت‌های محیطی از آزمون تی وابسته

نقشه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

با تصحیح بنفرونی استفاده شد (جدول ۴). نتایج تحلیل نشان داد که میان کیفیت‌های محیطی همچون رنگ، فرم و بافت تفاوت معناداری وجود دارد. همین‌طور با توجه جدول شماره ۴، ملاحظه می‌شود که تفاوت معناداری بین فرم و رنگ، به نفع رنگ وجود دارد ولی سایر ابعاد کیفیت‌های محیطی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

● پرسش ۲ (قسمت اول). آیا بین دیدگاه‌های مربیان مهدکودک‌های شهر شیراز نسبت به نقش کیفیت‌های عناصر محیطی بر پرورش خلاقیت کودکان بر اساس رشته تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال از آزمون تی، برای نمونه‌های مستقل استفاده شد. جدول ۵، نتیجه این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. مقایسه میانگین دیدگاه مربیان با توجه به رشته تحصیلی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنادار
رنگ	مرتبط	۲۶	۳۵/۹۲	۲/۹۱	۴۲	۲/۶۵	۰/۰۱
	غیرمرتبط	۱۸	۳۲/۷۸	۴/۹۶			
بافت	مرتبط	۲۶	۳۴/۶۱	۲/۲۱	۴۲	۲/۸۰	۰/۰۰۱
	غیرمرتبط	۱۸	۳۱/۹۴	۴/۰۹			
فرم	مرتبط	۲۶	۳۳/۹۲	۲/۰۳	۴۱	۳/۰۲	۰/۰۰۱
	غیرمرتبط	۱۷	۳۱/۴۱	۳/۴۲			
جمع	مرتبط	۲۶	۱۰۲/۸۸	۵/۸۰	۴۲	۲/۳۲	۰/۰۵
	غیرمرتبط	۱۸	۹۷/۳۹	۹/۸۵			

همان‌گونه که یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد، تفاوت معناداری در کلیه ابعاد پرسش‌نامه پژوهش حاضر بر اساس رشته‌های تحصیلی مرتبط و غیرمرتبط وجود دارد. بدین ترتیب که در مورد متغیر رنگ تفاوت معناداری به نفع مربیان که دارای رشته تحصیلی مرتبط هستند، مشاهده گردید ($t=2/65, p < 0/05$). در مورد متغیر بافت، تفاوت معناداری به نفع مربیان که دارای رشته تحصیلی مرتبط هستند، مشاهده گردید ($t=2/80, p < 0/01$). در متغیر فرم هم تفاوت معناداری به نفع مربیان که دارای رشته تحصیلی مرتبط هستند، مشاهده گردید ($t=3/02, p < 0/05$).

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

● پرسش ۲ (قسمت دوم). آیا بین دیدگاه‌های مربیان مهدکودک‌های شهر شیراز نسبت به نقش کیفیت‌های عناصر محیطی بر پرورش خلاقیت کودکان با توجه به سابقه خدمت و میزان تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، ابتدا مفروضه همگنی واریانس بررسی گردید. بر اساس آزمون همگنی واریانس میزان آمار لون (۳/۱۹۳) و سطح معناداری ۰/۲۳ به دست آمد. جداول ۶ و ۷ نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه را بر اساس سابقه خدمت نشان می‌دهند.

جدول ۶. مقایسه میانگین دیدگاه مربیان بر حسب سابقه خدمت

گروه	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
کمتر از ۵ سال		۳۰	۹۹/۸۳	۹/۳
بین ۵ تا ۱۰ سال		۱۰	۱۰۲/۴	۴/۲۷
بیشتر از ۱۰ سال		۴	۱۰۲/۴	۵/۰۵

جدول ۷. مقایسه میانگین دیدگاه مربیان با توجه به سابقه خدمت

منابع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
بین گروه	۶۰/۸۶	۲	۳۰/۴۳	۰/۴۵	۰/۶۳
درون گروه	۲۷۵۳/۳۱	۴۱	۶۷/۱۵		
مجموع	۲۸۱۴/۱۸	۴۳			

همان‌گونه که در جدول ۷ نشان داده شده است، مقدار F برابر ۰/۴۵ است که با توجه به سطح معناداری مشاهده شده برابر ۰/۶۳، تفاوت میانگین‌ها معنادار است. یعنی تفاوت معناداری بین میانگین نسبت به نقش کیفیت‌های عناصر محیطی با توجه به سابقه خدمت مربیان وجود ندارد. برای پاسخ‌گویی به این سؤال بر حسب میزان تحصیلات با توجه به آنکه فرض همگنی واریانس‌ها حاکم نبود از روش کروسکال‌والیس ناپارامتریک استفاده گردید (جدول ۹).

نقش هنرهای کیفی عناصر محیطی پرپرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

جدول ۸. مقایسه میانگین دیدگاه مربیان بر حسب میزان تحصیلات

گروه	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دیپلم		۳	۱۰۵/۲۵	۳/۵
فوق دیپلم		۴	۱۰۱	۶/۰۸
کارشناسی		۳۴	۹۹/۴۷	۸/۵۸
کارشناسی ارشد		۳	۱۰۷/۳۳	۱/۵۲

جدول ۹. نتایج آزمون آماری کروسکال والیس

سطح معناداری	درجه آزادی	مجذور خی
۰/۱۳۸	۳	۵/۵۰۵

نتایج آزمون آماری غیرپارامتریک کروسکال والیس با (مجذور خی ۵/۵۰ و درجه آزادی ۳) در سطح معناداری (p = ۰/۱۳۸) به دست آمد که حاکی از آن است که بر اساس میزان تحصیلات تفاوت معناداری بین دیدگاه‌های مربیان وجود ندارد.

■ بحث و بررسی ■

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دیدگاه مربیان نسبت به دو متغیر «رنگ» و «فرم» تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که رنگ از دیدگاه مربیان نقش مهم‌تری در خلاقیت کودکان دارد، در حالی که تفاوت معنادار بین سایر متغیرهای کیفیات محیطی وجود ندارد. این نتیجه با نتایج تحقیقات نقره‌کار و همکاران (۱۳۸۸) و شفایی و مدنی (۱۳۸۸) همسوست. تحقیقات نقره‌کار و همکاران (۱۳۸۸) و شفایی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که از دیدگاه مربیان، بین برخی متغیرهای محیطی همچون تحریک‌کنندگی محیط طبیعی و انعطاف‌پذیری عملکردها با برخی صفات خلاقیت همانند کنجکاوی، بازی، مشارکت و خیال‌پردازی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همین‌طور این نتیجه با نتایج تحقیقات مشابهی همچون، مظفر و همکاران (۱۳۸۶)، آقالطیفی (۱۳۸۷)، جباری و میرزایی

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی بر پرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مریبان مهد کودک

(۱۳۸۹) همسو است. جباری و میرزایی (۱۳۸۹) نشان می‌دهند که به‌کارگیری رنگ، فرم و فضا به‌عنوان عوامل مؤثر در بهبود و خلاقیت کودکان بیمار امری اجتناب‌ناپذیر است و معتقدند گرافیک محیطی و دیگر عوامل زیباشناسانه هم باعث رشد خلاقیت می‌شود. آقالطیفی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که نقش عوامل محیطی بر خلاقیت کودکان مؤثر است. در این مورد می‌توان گفت مریبان بعد رنگ را نسبت به ابعاد فرم و بافت در آموزش و جزئیات محیط کودکان بیشتر مورد استفاده قرار می‌دهند که به‌نظر می‌رسد این امر به‌علت آگاهی بیشتر مریبان به بعد رنگ نسبت به ابعاد دیگر کیفیات محیطی است. همین‌طور یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های مریبان دارای رشته تحصیلی مرتبط نسبت به نقش متغیرهای کیفیات محیطی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه پژوهشی در ارتباط مستقیم با یافته‌های پژوهش حاضر یافت نشد، به تحقیقات مشابه اشاره می‌گردد. این نتیجه با نتایج تحقیقات جلیلی (۱۳۸۲) و علوی (۱۳۸۴)، کاظمی و جعفری (۱۳۸۷) و آندرسن (۱۹۸۸) همسو است. کاظمی و جعفری (۱۳۸۷)، نشان می‌دهند که همبستگی مثبت و معناداری بین سابقه تدریس و خلاقیت دانش‌آموزان وجود دارد. در واقع معلم بر اثر تجربه به‌خوبی با راه‌های پرورش تفکر و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان آشنا شده و آن‌ها را به‌کار می‌گیرد. مطابق یافته‌های آندرسن (۱۹۸۸) معلمان با سابقه، گرایش بیشتری به پرورش مهارت‌های آموزشی و خلاقیت از خود نشان می‌دهند. در خصوص نتیجه احتمالی می‌توان این چنین بیان داشت که، نتایج چنین تحقیقاتی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف متفاوت است، لذا به‌علت محدود بودن حجم نمونه نیاز به تحقیق بیشتر در این زمینه احساس می‌شود.

از طرفی بین دیدگاه‌های مریبان، با توجه به سابقه خدمت و میزان تحصیلات نسبت به نقش متغیرهای کیفیات محیطی بر خلاقیت کودکان تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به اینکه پژوهشی در ارتباط مستقیم با یافته‌های پژوهش حاضر یافت نشد، به تحقیقات مشابه اشاره می‌گردد. این نتیجه با نتایج تحقیقات کاظمی و جعفری (۱۳۸۳)؛ اشتری (۱۳۸۰)، به نقل از حاجی (۱۳۸۲)، بهره‌مندجویی (۱۳۸۰)، به نقل از حاجی (۱۳۸۲) همسوست. کاظمی و جعفری (۱۳۸۳)، نشان می‌دهند که بین مدرک تحصیلی معلم و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و هر چه مدرک تحصیلی معلمان بالاتر باشد میزان خلاقیت شاگردانشان نیز افزایش می‌یابد و برعکس. اما این نتیجه با نتایج تحقیقات سالگی (۱۳۷۷) به نقل از حاجی (۱۳۸۲)، بهره‌مندجویی (۱۳۸۰)، به نقل از حاجی (۱۳۸۲) همسوست. سالگی (۱۳۸۲) به نقل از حاجی (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان رابطه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با مدارک تحصیلی معلمان انجام داده است و هیچ‌گونه تفاوت معناداری بین این دو متغیر

نیافته است.

از آنجا که مسیر پیشرفت شغلی این افراد براساس سنوات خدمت، تجارب و شایستگی‌ها طراحی نشده، از این رو نارضایتی از کار را به همراه داشته است. خستگی ناشی از کار یکنواخت در طول زمان یا بی‌توجهی مدیران مهدکودک‌ها به تجارب و مهارت‌های کاربردی که افراد در نتیجه خدمت در مهدکودک کسب کرده‌اند و نیز عدم وجود فرایندها و ضوابطی جهت پاداش و ترفیع مربیان با سابقه را نیز می‌توان ذکر کرد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که، اگر تنوع و تغییرات فضاها تکراری شوند، فضا برای کودک یکنواخت شده و برای او جاذبه لازم را ندارد. پس می‌توان فضاها را به‌گونه‌ای طراحی کرد که در عین سادگی، روانی و قابل درک بودن، به وسیله فرم‌ها و رنگ‌های متنوع، جذاب گردد و باعث تحریک کنجکاوی او شود. کودکان در جریان بازی با بهره‌گیری مناسب از کیفیت‌های مختلف عناصر محیطی همچون فرم، رنگ و بافت در فضاهای آموزشی خیال‌پردازی کنند.

طراحی مراکز آموزشی پیش‌دبستانی که بر مبنای شناخت ویژگی‌های روحی و روانی کودکان انجام می‌گیرد، خلق دنیایی خیالی است که علاوه بر مسائل آموزشی (تجربه‌ها، بازی و آموزش‌های دسته‌جمعی)، با بهره‌گیری از کیفیات عناصر معماری به‌عنوان عوامل فضایی و محرک بصری باعث پرورش خلاقیت کودکان می‌شود. در این راستا می‌توان به‌وسیله رنگ و فرم در ساختارهای فضایی و مبلمان خانه کودک در ایجاد فضاهای بازی متنوع، خیال‌انگیز و فضاهای انعطاف‌پذیر باعث شد کودکان خودآگاهانه کاربردهای مختلف ابزارهای خلاقیت ذهنی را به‌صورت آزادانه تجربه نمایند و این امر موجب ارتقاء تفکر خلاق آنان گردد. درگیر شدن کودک با عناصر و محیط اطرافش بر آموزش او، جذابیت محیط و پرورش ذهن خلاق او مؤثر است.

پیشنهادها

۱. به‌دلیل تعمیم‌پذیری روش تحقیق، می‌توان نقش عناصر محیطی و کیفیت‌های هر کدام از این عناصر را در سایر فضاهای آموزشی مانند دبستان و یا فضاهای غیر آموزشی مانند بیمارستان کودکان و فضاهای بازی را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار داد.
۲. با توجه به نتایج به‌دست آمده در این تحقیق، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ها و آموزش‌های ویژه‌ای برای مربیان مهدکودک‌ها در نظر گرفته شود، تا مربیان از نقش کیفیات محیطی کودکان آگاه و از این قابلیت در فضاهای آموزشی برای ارتقاء کنجکاوی، گسترش ذهنی کودکان بهره‌گیرند.

نقش جنبه‌های کیفی عناصر محیطی پرپرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

منابع

- آق‌اطیفی، آزاده. (۱۳۸۷). مناسب‌سازی محیط برای خلاقیت کودکان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، ۱۴ و ۱۵ آبان.
- آماپیل، ترزا. (۱۳۸۸). شکوفایی خلاقیت کودکان (ترجمه حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی، چاپ پنجم). تهران: نشر دنیای نو.
- آندرسون، لورین دلبیو. (۱۳۹۰). افزایش اثر بخشی معلمان در فرایند تدریس. (ترجمه محمد امینی، چاپ ششم). تهران: انتشارات مدرسه. (اثر اصلی در سال ۱۹۸۸ چاپ شده است).
- اسودی، رقیه. (۱۳۸۹). کاربرد رنگ‌ها و نقوش گلیم قشقایی در طراحی داخلی کلاس‌های مقطع راهنمایی جهت ارتقاء خلاقیت دانش‌آموزان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه هنر و معماری تربیت مدرس، تهران.
- اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۸۴). بررسی عناصر دپداری در تصویرگری. (رنگ، بافت). ماه‌نامه کتاب ماه کودک و نوجوان، ۱۱، ۹۶-۱۰۶.
- امیری، شعله و اسعدی، سمانه. (۱۳۸۶). روند تحولی خلاقیت در کودکان. فصل‌نامه تازه‌های علوم شناختی، ۹ (۴)، ۲۶-۳۲.
- البرزی، محبوبه. (۱۳۸۶). تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در خلاقیت کودکان با رویکرد متغیرهای خانوادگی، مدرسه و باورهای انسانی (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه شیراز، شیراز.
- پیکرینگ، جان. (۱۳۸۹). مبانی هنرهای تجسمی کودکان (ترجمه مرضیه قره‌داغی قرقشه، چاپ سوم). تهران: دنیای نو.
- تابنده، شراره. (۱۳۸۷). مرکز پرورش خلاقیت کودکان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد شیراز، شیراز.
- حاجی، مرضیه. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سابقه تدریس دبیران با درصد قبولی دانش‌آموزان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد علوم تربیتی و روان‌شناسی، رودهن.
- جباری، محمد مهدی و میرزایی، علیرضا. (۱۳۸۹). نقش معماری در پرورش خلاقیت کودکان. ارائه شده در اولین کنگره بین‌المللی روان‌شناسی کودک و نوجوان، شیراز.
- حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خسروجردی، نرجس. (۱۳۹۱). تاملی بر الفبای طراحی در فضاهای آموزشی (چاپ اول). تهران: طحان.
- دمیرچی، بداله. (۱۳۸۰). بررسی اثر آموزش حل خلاق مسائل بر فرآیند مسئله‌یابی حل مسئله و کاربرد راه‌حل مسئله (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- شفایی، مینو و مدنی، رامین. (۱۳۸۸). اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان بر اساس مدل خلاقیت. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۳، ۱۵-۲۲.
- شل کراس، دوریس. (۱۳۷۲). آموزش رفتار خلاق و استعداد درخشان در دانش‌آموزان (ترجمه مجتبی جوادیان، چاپ سوم). تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- علیوی، سید کامران. (۱۳۸۴). بررسی روند تحول قدرت بالقوه خلاقیت کودکان و اثرات آموزش مهارت‌های زندگی در پرورش آن (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- کاظمی، یحیی و جعفری، نرگس. (۱۳۸۷). بازدارنده‌های خلاقیت دانش‌آموزان: فعالیت‌ها و ویژگی‌های معلم. فصل‌نامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴، ۱۷۷-۱۹۲.
- لطف عطا، آیناز. (۱۳۸۷). تأثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط‌های آموزشی (ابتدایی) در شهر. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۲۱، ۷۳-۹۰.
- محمدی، آناهیتا. (۱۳۸۷). مرکز آموزش و پرورش خلاقیت کودکان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد شیراز، شیراز.
- مفیدی، فرخنده (۱۳۸۱). آموزش و پرورش پیش‌دبستانی. تهران: انتشارات پیام نور.
- مرتضوی، شهناز. (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط و کاربرد آن. تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی.
- مظفر، فرهنگ و حسینی، سید باقر و عظمتی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان.

نقش‌های کیفی عناصر محیطی پرپرورش تفکر خلاق کودکان از دیدگاه مربیان مهد کودک

- باغ نظر، ۸، ۵۹-۷۰.
- نقره‌کار، عبدالحمید و دیگران. (۱۳۸۸). طراحی فضاهای مهدکودک بر اساس رابطه بین صفات خلاقیت و ایده‌های معمارانه. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۳۲، ۳۹-۵۷.
- Sharp, C. (2004). Developing young children's creativity: what can we learn from research? *Englan*, 32, 5-12.
- Warner, S. A., & Myers, K. L. (2009). The Creative Classroom: The Role of Space and Place Toward Facilitating Creativity. *Technology and Engineering Teacher*, 64 (1), 28-34.
- Glaeser, E.L. (2005). Review of Richard Florida's *The Rise of the Creative Class. Regional Science and Urban Economics*, 35 (3), 593-596.
- Hunter, K. (2005). *Environmental Psychology in Classroom Design* (Master thesis). University of Cincinnati.
- Hemlin, S. (2009). Creative Knowledge Environments: An Interview Study with Group Members and Group Leaders of University and Industry R & D Groups in Biotechnology. *Creativity and Innovation management*, 18(4), 278-285.

پی‌نوشت‌ها

1. Rogers
2. Florida
3. Freud
4. Hdastart
5. follow-green
6. Amabile
7. Guildford
8. Shallcross
9. Hennessey
10. Kraft
11. Glaeser
12. Ekvall
13. Cikzentmihalyi
14. Sharp
15. Ren Zulli
16. Warner and Myers
17. Hunter
18. Cronbach's alpha
19. Repeated Measures